

آتش افروزی در خاور میانه

فریدون گیلانی

شنبه بیست و دوم جولای 2006

این مهم نیست که سی ان ان به عنوان فرستنده غیر رسمی « قدرت » ، جنگی با این طول و عرض علیه مردم بی گناه فلسطین و لبنان و شهر شمالی اسرائیل حيفا را ، فوق العاده تلقی نکند (Breaking News) ، یا در حالی که خبر را مدام پخش می کند ، فوق العاده بودن خبر را کتمان کند . اگر مقاومت عراق و افغانستان ضربه ای کاری به اشغالگران بزند ، یا نیروی متجاوز به زعم خودشان ضربه ای کاری به مقاومت بزند ، یا نه ، در هر مورد مشابه دیگری که خبر لحظه به لحظه پخش شود ، محال است شما عنوان « برکینگ نیوز » را بر صفحه سی ان ان مشاهده نکنید . در خبرهای لحظه به لحظه ی مربوط به تجاوز وحشیانه ی ارتش اسرائیل ، یا ارتش نایب ایالات متحده در منطقه ، به زنان و کودکان و مردان عادی لبنان و نوار غزه ، خبر در طبقه بندی « فوق العاده » قرار نمی گیرد . تازه ، در ادامه خبر روزهای اخیر ، نوار غزه چنان از قلم می افتد که انگاری آنجا خبری نیست .

این مهم نیست که تلویزیون های آلمان ، اساسا عنوان خبر را « جنگ یک طرفه علیه مردم » نمی گذارند و بیشتر به فاجعه ای که در شهر اسرائیلی حيفا جریان دارد می پردازند، تا به عمق فاجعه ی نوار غزه ، جنوب لبنان ، مرکز لبنان بیروت ، مرز لبنان و سوریه و حالا دیگر با حمایت و توجیه صریح جرج هربرت واکر بوش و کاندولیزا رایس ، همه ی لبنان . من اسم این رسانه ها را مافیای خبری می گذارم و جریان اصلی خبر که متعلق به این مافیاست ، ظاهرا خیلی هم به ما لطف می کند که همین ها را هم می گوید . در دوران تحول ارتباطات و توسعه ی اطلاعات ، منابع خبری ما اما ، فقط این مافیای خبری نیستند .

مهم این است که با گرفتن خبر از هر مجرائی ، به اختصار هم که شده بدانیم چه می گذرد، چرا می گذرد ، و تا کجا خواهد گذشت .

از نیمه شب چهار شنبه بیست و هشتم ژوئن ، ارتش اسرائیل که نایب ارتش آمریکا در خاور میانه است ، با پنج هزار سرباز و حداکثر توان هولناک هوایی به نوار غزه هجوم برده است تا مقدمات تجاوز نظامی به خاک لبنان را نیز بهانه ی تعقیب حزب الله آماده کند. در هم کوبیدن تاسیسات ، قطع آب و برق در تابستان آن منطقه ، در هم کوبیدن خانه ها و کوچه ها و خیابان ها و اداره ها و مدرسه ها و داروندار مردم که جای خود ، بچه های مردم یا دارند درخانه ها و خیابان ها با بمب ها و موشک های مسلح به تفکر جنایتکار موشه دایان جان می دهند ، یا درخانه ها از گرسنگی و بی دوائی می میرند. این ، دنیای مدرن آزادی جدید ، جهانی شدن سرمایه و صدور آزادی و عدالت اجتماعی از ناف کارتل های نفتی و صنایع نظامی سرمایه داری مهربان جهانی است که جرج بوش و تونی بلر و اهود اولمرت و پوتین و آن همه بد آئین دیگر آن را نمایندگی می کنند .

بی بهانه کار از پیش نمی رود و فاجعه ای دیگر پدید نمی آید . عناصر ساختن بهانه ، همیشه از پیش مهیا می شوند . با آماده سازی این عناصر ، برج های دوقلو کمر شکن می شوند تا هزاران کارمند و کارگر بمیرند و آمریکا بتواند بر هزاران هزار دیگر در افغانستان آتش ببارد . به قول خانم « آروند

هاتی روی» در مقاله ی « جنگ یعنی صلح » ، خلبان های آمریکائی با هواپیماهای مسلح به پایگاه برگشته بودند و گفته بودند جز قلوه سنگ چیزی نمی ببینند که بر آن بمب بیارند . و شنیده بودند که برگردید و بر همان قلوه سنگ ها بمب بیارید . عناصر فاجعه از پیش آماده شده اند . عراق باید تاسیسات اتمی ، یا نه ، دست کم بمب های شیمیائی و سلاح های تخریب جمعی داشته باشد تا بمب های ده تنی آمریکا بر مردمش بیارند. این مهم نیست که هیئت های بازرسی چه گفته اند و بعد ها هم معلوم می شود که هیچ اثری از پدیده های مورد ادعا پیدا نشده است . مهم این است که البرادعی و کوفی عنان باید پاسخ مناسبی به پروار بندان بدهند و دولت های دست نشانده ی مصر و اردن و عربستان و ترکیه و پاکستان و شیخ نشین های خلیج و عناصر تشکیل دهنده اردوی بی ترحم سرمایه داری ، باید اطاعت کنند و با جان و مال بر بوق امپراتور بدمند . مزدوران طالبانی و بارزانی و آخوند های فرتوت و مرده خور حاکم بر ایران که جای خود دارند. مراد ارباب باید حاصل شود . اگر در گذشته حکومت پادشاهی ایران و اسرائیل و عربستان سعودی پست های دیده بانی و فرمانبر بی چون و چرای امپراتور در خاورمیانه بوده اند ، هنوز اسرائیل و عربستان سعودی و حالا دیگر مصر به عنوان قدرتمند ترین نیروی نظامی عربی باقی مانده است . با چون و چرای جمهوری اسلامی هم می شود یک جوری کنار آمد . اگر هم نشد که نشد . بمب ها و موشک ها آماده اند که بر سر مردم ایران بیارند . امام حسنی نشد ، امام حسینی .

عناصر ساختن بهانه را ، از پیش آماده کرده اند . اول تکه ی اندکی از آلمان در اشغال لهستان بود و بعد لهستان عقب نشست . اما بهانه می توانست کشتن چند سرباز آلمانی به وسیله ی لهستانی ها باشد تا فاشیست های هیتلری کفش و کلاه کنند . والا که اگر بهانه واقعی بود ، چه کار به پشت دروازه های مسکو و لندن و جهان گشائی داشت. نژاد برتر ، بهانه اش را از پیش تراشیده بود .

حالا هم ، ظاهرا بهانه گروگان گرفتن دو سرباز اسرائیلی با هدف مبادله ی زندانیان و اصرار بر آزاد کردن صدها اسیر فلسطینی در زندان های اسرائیل است. جان اسرائیلی ها جان است و جان فلسطینی ها و لبنانی ها و عراقی ها و افغانی ها ، و لابد بعدها ایرانی ها و سوریه ای ها ، بادنجان .

این ها بهانه است . بهانه ی ادامه بازی شیطان در خاورمیانه . از زمانی که سرمایه داری به دوران انحصارات پا گذاشت و کار تحمیل مازاد تولید با زورگویی و کشور گشائی های مدرن اروپائی و آمریکائی به توسعه طلبی های جدید اقتصادی و سیاسی و نظامی کشید ، هر بخشی از بازی تجاوز و توطئه ، بهانه ی خود را می طلبیده که به وسیله عوامل مستقیم و غیر مستقیم توسعه طلبان ساخته شده است . دوران ها تغییر می کنند ، اما بهانه ها و بازی ها ، با صورت های جدید تری به جای خود می مانند . شکنجه کردن و به بند کشیدن انسان ، همانی است که در قرون وسطی و پیش از آن بوده ، فقط نوع و فضا تغییر کرده است . مضمون همان است ، تفاوتی در شکل به وجود آمده است . به قول استیفن کینزر در کتاب اخیرش « براندازی » که سیاست های ایالات متحده در براندازی دولت ها را بررسی می کند ، از هاوئی در 110 سال پیش ، تا عراق ، بهانه های امریکا مضمون واحدی داشته، منتها شکل هایش تکامل یافته است . یا از دولتی ، و ایدئولوژی دولتی خوشش نیامده ، یا باید راه را برای تجارت آمریکا هموار می کرده ، یا دنبال بازار جدید می گشته ، یا تنوری بازار آزاد و جهانی شدن سرمایه برای تامین بازارهای جدید را باید تحمیل می کرده ، یا برای تهاجم به کشوری دیگر ، پایگاهی جدید می خواسته . والا که به قول یکی از گزارش های همین سی ان ان مافیائی ، چه

ضرورتی دارد که در 126 نقطه ی جهان (غیر از امریکا البته) ، نیروی نظامی و ارتشی مخوف به نام واکنش سریع داشته باشد . ساختن پایه های امپراتوری ، از دیروز شروع نشده که امروز به پایان برسد . این رشته سردراز دارد .

با وجود آن که بهانه ها و بازی ها نزد بسیاری از مردم امروز جهان شناخته شده است ، ایالات متحده باز هم از شیوه های قدیمی استفاده می کند . حزب الله و حماس از دایره ی اطاعت کامل خارج شده اند، پس باید حساب پس بدهند . والا که حماس را در سال 1987 خود اسرائیل ساخته تا سازمان آزادیبخش فلسطین و جریان معتقد به جدائی دین از دولت را در فلسطین خنثی کند . اسنادش را نه تنها آقای رابرت دریفوس در کتاب بازی شیطان ، بلکه بسیاری از محققان و مفسران جهان افشا کرده اند . اسحاق شامیر ، به قول یکی از روزنامه های ایتالیائی ، در حضور حسنی مبارک رئیس جمهوری مزدور مصر به یاسر عرفات گفته است که اشتباه بزرگ اسرائیل ساختن حماس بود .

حماس برای این با نظر آمریکا و حمایت اسرائیل در آغاز انتفاضه اول (قیام اول) به وجود آمد تا سازمان آزادیبخش فلسطین را که فتح از اعضای اصلی آن است ، از میدان به در کند . شیخ احمد یاسین که قرار شد این سازمان نظامی را علم کند ، قبلا رهبر اخوان المسلمین بود . همه ی این فرقه های مذهبی هم ، از شاخه ها و زاد و ولدهای همین اخوان المسلمین اند . اخوان المسلمین را در سال 1928 بریتانیا برپا کرد و از حدود شصت سال پیش ، امریکا و انگلیس ، هر دو در این سازمان مافیائی اسلامی نفوذ دارند . پیش از فروریختن اتحاد شوروی ، کاگ ب هم گاو و گوسفند هایش را در این سازمان مرکزی اسلامی می چراند . همه ی بازی ها و تحولات اسلامی ، از صلح بگیریید تا سازش و توطئه و جنگ و خون ریزی ، از مجرای همین سازمان مزدور می گذرد .

حالا ، مردم منطقه ی خاور میانه ، باید تاوان بخش جنگی ی این بازی را پس بدهند . شیخ حسن نصرالله رهبر مزدور حزب الله لبنان که با لهجه ی سلیس آمریکائی ، انگلیسی حرف می زند ، دو روز پس از حمله اسرائیل به جنوب لبنان با ادعای درهم شکستن مرکز و منشاء حزب الله ، در مصاحبه ای با سی ان ان دقیقا گفت : « می خواهید بازی را عوض کنید ؟ بسیار خوب ، ما هم با کارت شما بازی می کنیم . » همین چند روز پیش ، نماینده اسرائیل در جلسه ی شورای امنیت دول متحد آمریکائی ، برسر نماینده لبنان فریاد کشید که قصد ما تجاوز به لبنان نیست ! شما بعدها خواهید فهمید که این عمل به نفع شماست ! یعنی حزب الله و حماسی را که ساخته بودیم و در مقابل خود شما علم کرده بودیم ، حالا می خواهیم بکشیم . خانم کاندولیزا رایس هم همین امروز به صراحت اعلام کرد که آمریکا با آتش بس مخالف است و موافق است که ریشه این تندروهای اسلامی (ساخت بریتانیا و آمریکا و اسرائیل) کنده شود .

سازندگان حماس و حزب الله که این فرقه ها را برای درگیری علیه کمونیسم و ناسیونالیسم و سکولاریسم خاور میانه علم کرده اند ، به قول رابرت دریفوس در « ایسم » اسلامیسم در خلاب مانده اند . تاریخ مصرف تندروهای اسلامی در تحلیل سرمایه داری جهانی به پایان رسیده و دیگر تامين کننده منافع شان نیست . سهل است ، با سرکشی ها و چموشی های سال های اخیر ، رفته رفته دارد سر راه ساختن امپراتوری آمریکا و یکسان کردن اوضاع سیاسی منطقه ، موانعی ایجاد می کند . امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا ، هنوز فکر می کند تنها اخوان المسلمین به عنوان جریانی تابع و نسبتا یکدست می تواند مورد معامله باشد . بنابراین ، فرقه های منشعب از آن و وابسته به آن ،

اعم از آن که شیعه باشند ، یا سنی و وهابی ، یا باید تمرکز تحت امر را بپذیرند ، یا تاوان سرکشی های خود را پس بدهند . اگر جهادی های موسوم به افغانی به وسیله سی آی ا و موساد در سال 1979 از چهل کشور مسلمان در افغانستان جمع شدند تا به نقش ارتش نایب آمریکا جمهوری های مسلمان نشین شوروی را بشورانند و با خدا شناسان بجنگند ، آن دوران اکنون به پایان رسیده و این ارتش اسلامی – آمریکائی که اکنون در سطح جهان پراکنده شده و به روی سازنده ی خود برگشته ، باید مهار شود . بقیه ی قضایا بهانه است . منتها ، این بهانه و بازی های ناشی از آن و سازنده ی آن، قرار نیست به این زودی ها به پایان برسد . ظاهرا جیمی کارتر در مصاحبه با لاری کینگ در تلویزیون سی ان ان درست گفته است که آمریکا قرار نیست تا بیست سال آینده از منطقه خارج شود ، چون روسیه و بریتانیا جایش را خواهند گرفت .

معضل اسلامیت ها ، تغییر اساسی نگرش مردم خاور میانه و سراسر جهان نسبت به آمریکا ، و رقابت های درونی دولت های امپریالیستی برسر تسلط بر امور منطقه ، نفت بیشتری بر آتشی که ارتش های مستقیم و غیر مستقیم آمریکا در خاور میانه افروخته اند خواهد پاشید . مانورهای عوامفریبانه ی وزاری امور خارجه بریتانیا و ایالات متحده ، و بندبازی های لفظی جرج بوش که در بیست و دومین روز تجاوز نظامی اسرائیل به فلسطین و بعد لبنان ، به حمایت صریح از اسرائیل انجامیده است ، مجموعا نشان می دهند که این بازی خونین ادامه خواهد داشت. والا که خارجی ها را به این سرعت از لبنان تخلیه نمی کردند و تکیه کلام های بخصوص جرج بوش و کاندولیزا رایس ، ایران و سوریه نمی بود. یعنی سی آی ا که خود بنیانگذار توطئه است ، تا کنون نمی دانست که حزب الله لبنان رسما حقوق بگیر جمهوری اسلامی است ، پاسداران جمهوری اسلامی به وفور در لبنان و سوریه به انجام وظایف اهریمنی خود مشغول اند و آموزش نظامی و اسلحه و مهمات حزب الله را دیرگاهی است که جمهوری اسلامی تامین می کند ؟ قضیه انرژی اتمی به بن بست منفعت طلبانه ی روسیه و چین در شورای امنیت برخورد ، از این طرف باید راهی به وسیله ارتش نایب باز می شد که در ادامه خود نیازی به شورای امنیت نداشته باشد و بتواند اجرای سیاست یک طرفه ی آمریکا را تضمین کند. ضمیمه های خونین لبنان که ظاهرا برای تعقیب و از بین بردن حزب الله فراهم شده و ارتش متجاوز اسرائیل را از جنوب وارد خاک لبنان کرده است ، مردم لبنان را قربانی می کند تا در نهایت ، مثل جنگ شش روزه ژوئن 1967 (معروف به جنگ اعراب و اسرائیل) ، پای ارباب را به صورت مستقیم به صحنه نبرد باز کند و احتمالا به هموار کردن راه تهران و دمشق بپردازد. از آخرین لاف و گزاف های آمریکا و جمهوری اسلامی ، عجالتا نتیجه ای جز این حاصل نمی شود. تضاد نظری و منفعتی بریتانیا و فرانسه و آلمان با آمریکا هم ، به نظر از آن گونه تناقضات سطحی می رسد که عموما در جوهر رقابت های درونی امپریالیست ها وجود دارد . این سه کشور ، و احتمالا روسیه ، از این می ترسند که مرحله سیاست یک طرفه ایالات متحده ، باردیگر ایشان را غافلگیر کند ، که ظاهرا کرده است .